

آینة

جمهوری اسلامی

خانه‌تکانی آقای رئیس‌جمهور

● از مجموع قوای سه‌گانه، شما یک قوه را در اختیار دارید که خانه پر آن می‌شود یک‌سوم قدرت البته با خوش‌بینی کامل. ولی همین یک‌سوم هم در اختیار شما نیست، زیرا اولاً اقتصاد کشور به‌گونه‌ای طراحی شده که تقریباً ۹۰ درصد آن در اختیار چند نهاد غیردولتی است. ثانیاً رسانه ملی و سایر رسانه‌ها هم در اختیار دولت نیستند و اگر یک روزنامه دولتی و چند روزنامه حامی دولت وجود دارند، در برابر انبوه رسانه‌هایی که با بودجه‌های سرسام‌آور مشغول نامیدکردن مردم از دولت هستند، چیزی بیش از قطره‌ای در برابر یک دریا نیستند و ثالثاً حتی کارگزاران دولت در دستگاه‌های مختلف به میزان بیش از ۷۰ درصد با دولت هماهنگ نیستند. به زیرمجموعه وزارت کشور نگاه کنید و ببینید چند درصد استانداران و فرمانداران و بخشداران و حتی مسئولان موجود در خود وزارتخانه با سیاست‌های دولت هماهنگ و با شما هم‌فکر هستند و کارایی لازم را دارند... با توجه به این واقعیت که فقط بخشی از واقعیت‌هاست، شما آقای رئیس‌جمهور حداکثر ۱۵ تا ۲۰ درصد از قدرت را در اختیار دارید و روشن است که با این میزان از قدرت نمی‌توانید کشور را اداره کنید و پاسخگوی تمام مشکلات و معضلات باشید آن‌هم در شرایطی که بخش قابل‌توجهی از بودجه دولت شما در اختیار دستگاه‌ها و کسانی قرار می‌گیرد که مدیریت شما را نقض می‌کنند. در چنین شرایطی شما به حرف‌زدن با مردم نیاز دارید.

کیتان

● **حسین شریعتمداری**: روز چهارشنبه هفته گذشته مجلس شورای اسلامی «لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی» (موسوم به کنوانسیون پاریس) را با ۱۳۲ رأی موافق، ۸۰ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع تصویب کرد. الحاق به این کنوانسیون بازکردن پای تروریست‌های وحشی به کشور و تحویل دست‌بسته مردم و نظام به آنهاست... جای این سؤال است که دولت و مجلس با چه انگیزه و در پی کدام منظور و مقصود به این الحاق دلت‌بار که نه تنها با نص صریح قانون اساسی در تضاد آشکار است، بلکه امنیت و استقلال کشور را نیز به تاراج می‌گذارد، تن داده‌اند؟! پاسخ دولت و مجلس آن است که الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون پاریس را با قید ۵ شرط و یک تبصره پذیرفته‌ایم؛ و این ۵ شرط که اصطلاحاً «تحفظ- Reservation» نام دارد، جمهوری اسلامی ایران را از پذیرش آن بخش از مفاد و موادی که با قانون اساسی و بیش و منش انقلابی کشورمان مغایرت دارد، مستثنی می‌کند!



غرب است یا یک استراتژی و چند تاکتیک

● **سیدعبدالله متولیان**: طیف خوش‌باوران، ساده‌انکاران، غرب‌گرایان و... باید به این سؤال اساسی پاسخ‌ی روشن و محکمه‌پسند ارائه کنند که برای اثبات خوش‌بینی خود چه دلیلی دارند. مگر چه اتفاق جدیدی رخ داده و کدام موازنه به نفع اروپا در حمایت از ایران و پشتیبانی، مخالفت و رویکردانی از هسته مرکزی غرب یعنی آمریکا رخ داده است. چرا باید نسبت به مواضع مذبذب و مارپیچ و حمایت‌های همراه با تهدید اروپا خوش‌بین باشیم و نتیجه اعتماد به اروپا چیست...؟ اقدام اخیر ترامپ در برشمردن تخلفات ایران در برجام نیز قیفا در راستای همین هدف قابل‌تحلیل است و به جرئت می‌توان گفت تداش تهاجی که راهبرد جدید آمریکا نقطه امید دولت ترامپ به‌منظور سوءاستفاده هر چه بیشتر از اولت برجام خواهد بود همین حفظ برجام از طریق بازی مشترک اروپا و افزایش فشار برجامی خواهد بود. بر این اساس آزموده از آزمودن خطا بوده و افتادن در دام بازی مشترک اروپا و آمریکا و اعتماد به اروپا عین خامی و ساده‌اندیشی است و باید اذعان نمود که غرب غرب است و در نظام سلطه هیچ تفاوتی بین دو لبه قیچی و اروپا و آمریکا نیست.

انجمن

اندیشمند بزرگ دوست‌داشتنی

● **محمدمنصور هاشمی**: داریوش شایگان متفکری مهم، نویسنده‌ای برجسته و انسانی حقیقتاً دوست‌داشتنی است. ایران را با تمامی وجودش دوست دارد اما افق نگاهش جهانی است، می‌داند لازمه دوست‌داشتن وطن خود، دشمن‌داشتن دیگران نیست؛ آن که قدر فرهنگ خود را می‌شناسد می‌تواند قدر فرهنگ‌های دیگر را هم دریابد و بشناسد. داریوش شایگان به ایران و به ویژه نسل جوان ایران، با وجود همه گرفتاری‌های‌شان، ایمان دارد. او نظر مثبت خود را درباره جوانان ایران بارها اعلام کرده است. پس بی‌چون نیست که حالا این جوانان سخت نگران حال او هستند. او برای دیده‌شدن تلاشی نکرده، جاروجنجال‌های روشنفکرانه/ناروشفکرانه تن نداد، در کسوت مراد و مرشد هم فرونرفت، با این همه و شاید اصلاً به واسطه این‌همه الان دیده می‌شود، پس اجازه داشته می‌شود و دوست داشته می‌شود. پس اجازه بدیدیم از قول همه کسانی که از پنجشنبه نگران حال این وجود عزیز هستند بنویسم: استاد اندیشمند بزرگ، آقای دکتر شایگان عزیز، از پنجشنبه عصر خیلی‌ها نگران حالتان هستند. صمیمانه برایتان بهترین آرزوها را داریم، از ته دل.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

«ابراهیم رحیم‌پور» از ۲۱ سال مذاکرات خزر می‌گوید

اختلاف بر سر تقسیم خزر

کنوانسیون رژیم حقوقی خزر با حذف «تحدید حدود» امضا می‌شود



عکس: رونوف رسنشی، فریق

زینب اسماعیلی : بعد از ۲۱ سال مذاکره، اگرچه موارد زیادی از کنوانسیون رژیم حقوقی خزر به نتیجه رسیده، اما هنوز موضوع «تحدید حدود» با همان بحث پرسروصدای تقسیم سرزمینی خزر به نتیجه نرسیده است. «ابراهیم رحیم‌پور» که ۵۰ ماه معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه و نماینده ایران در مذاکرات خزر بوده، چندی پیش در گفت‌وگویی، بحث سهم ایران از خزر را مطرح کرد. با این رویکرد که «سهم ایران از خزر ۲۰ درصد نیست»، این سخن این‌گونه تعبیر شد که سهم ایران کمتر از ۲۰ درصد است و «شرق» نیز در گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی به این موضوع و نگرانی از آنچه در مذاکرات خزر می‌گذرد، پرداخت. در گفت‌وگو با «عباس ملکی»، نماینده ایران در سال‌های اولیه مذاکرات خزر، به موضوع چهار کشور شمالی پرداختیم و در مصاحبه با «ابراهیم رحیم‌پور»، نماینده فعلی ایران در مذاکرات خزر، از آنچه در جریان مذاکرات می‌گذرد، پرسیدیم. ابراهیم رحیم‌پور که معاون آسیا و اقیانوسیه و زیر خارجه بوده، از آذره‌ما به‌نازشته شده و حالا در مصاحبه با «شرق» از این می‌گوید که در جریان مذاکرات با چهار کشور شمالی اساساً به توافقی درباره بحث سرزمینی نرسیده‌ایم. ازاین‌رو، کنوانسیون رژیم حقوقی با حذف موضوع سرزمینی به امضا می‌رسد. پیش‌تر رحیم‌پور در مصاحبه با ایسنا گفته بود: «اکنون هشت موافقت‌نامه بین پنج کشور امضا شده و درباره ۱۲ موافقت‌نامه دیگر نیز در حال بحث و رایزنی هستیم... موضوع تحدید حدود دربرگیرنده موضوع بستر و زیربستر دریاست که در آن نفت، گاز، جلیک‌ها و دیگر منابع وجود دارد. در بحث سطح با حجم آب نیز موضوعاتی مانند دریاوردی، ماهیگیری و کشتی‌رانی مطرح است و در همین چارچوب باید مسائل امنیتی، محیط‌زیستی، همکاری‌های اقتصادی و دیگر مسائل مربوط به آن را قانون‌مند کنیم». در گفت‌وگو با ابراهیم رحیم‌پور به آنچه در جریان مذاکرات خزر می‌گذرد، پرداختیم.

فکر می‌کنند مشکلی باید ابدی باقی بماند، اما می‌تواند باقی نماند و بالاخره راهی پیدا کنیم.

● **فرمایشات شما خیلی کلی است. از قلفلق افکار عمومی گفتید و بعد رسیدید به مصلحت‌اندیشی. بگذارید به خودم و مخاطبانان کمک کنم تا بحث شما را بهتر بفهمیم. ببینید! ما در جریان پوشش رسانه‌ای مذاکرات هسته‌ای می‌رسیدیم چقدر از کار باقی‌مانده؟ مثلاً می‌گفتند: ۳۰ درصد کار باقی‌مانده که خودش به‌اندازه ۷۰ درصد کار مهم است. از این منظر به ما بگویید چقدر از کار در خزر باقی مانده است؟**

اول این را بگویم که موضوع خزر اصلاً از نظر من

بحران نیست و یک پدیده حقوقی است که ۲۱ سال درباره آن در حال مذاکره هستیم. هر موضوعی پیچیدگی‌های خودش را دارد. در موضوع خزر یک کنوانسیون داریم و پنج موضوع مهم باقی مانده که از جهت حجم، پنج درصد آن کنوانسیون است، ولی از نظر اهمیت، حدود ۵۰ درصد. موضوعات مهم زیادی داریم که موضوع سرزمینی هم جزء آنهاست. در موضوع هسته‌ای یک طرف مودی داشتیم که نمی‌خواست ما حق طبیعی خودمان را به دست بیاوریم، به‌همین دلیل ۱۵ سال مذاکره کردیم. در نهایت با همین فن دیپلماسی کاری کردیم که آقای ترامپ فکر می‌کند سرش کلاه رفته است، به‌همین دلیل در حال به‌هم‌زدن بازی است. درباره خزر این‌گونه نیست. براساس قانون اتحاد جماهیر شوروی سابق دو قرارداد از ۱۹۲۰ و ۱۹۶۱ داشتیم که آنها بیعتاً نمی‌تواند جاری شود، باید قانون‌مندی جدیدی جایگزین کرد.

● **مذاکرات چه‌موقع به بحث سرزمینی خزر می‌رسد؟**

مذاکراتی در این زمینه داشته‌ایم، اما بحث تحدید حدود بین پنج کشور به توافقی نرسیده است.

● **بنابراین قرار است چه زمانی تکلیف این موضوع روشن شود؟**

بالااصله بعد از امضای کنوانسیون از سوی پنج کشور که در آن موضوع «تحدید حدود» حذف می‌شود، مذاکرات بر سر این موضوع بین طرفین شروع می‌شود.

● **اگر موضوع حدود سرزمینی در کنوانسیون نیست، پس این کنوانسیون شامل چه مواردی است؟**

این حدس درست است که به نتیجه‌ای در حاشیه دور از مذاکرات در مسکو گفته شد بعضی زبانی از سندها آماده شده است، می‌توانید بگویید کار این رژیم حقوقی تا چه مرحله‌ای پیش رفته یا چند درصد باقی مانده است؟

ما با یک مورد ریاضی مواجه نیستیم که عدد بدیم، منظور من این بود که در رژیم قبل هم قراردادهای خوبی امضا شده؛ برای مثال قرارداد ۱۹۷۵، قرارداد ایران افغانستان در رابطه با آب و... ما بر سر اجرای قرارداد الجزایر (۱۹۷۵)، هشت سال جنگیدیم، اکنون ۱۶ سال از سقوط صدام گذشته، چرا این قرارداد اجرا نمی‌شود؟ اینجا که دوستان ما و مسلمان هستند. در عالم همسایگی و سیاست و در عالمی که هر قومی به فکر منافع خودش است، باید کمی پیچیده‌تر فکر کنیم. ما به‌خطر مصالح نمی‌توانیم حقایق را ببوشانیم؛ بنابراین عراق را مثال می‌زنم، اماکن مذهبی آنجا مثل اماکن مذهبی خود ما هستند، دولتشان هم که با کشور ما تقریباً نزدیک‌ترین است. مراجع تقلید آنجا در کشور ما مقلدان واردتمدانی دارند و برخی از مردم آنجا هم مقلدان مراجع تقلید ما هستند، ولی این قضیه چرا حل نمی‌شود؟ گاهی برخی

فرمول موافقت‌نامه حقوق دریایی که یک موافقت‌نامه بین‌المللی متعلق به سال ۱۹۶۲ است و ما هم عضوش نیستیم، این بحث را مطرح کنند. اول اینکه ما عضو این موافقت‌نامه نیستیم و دوم اینکه موادی از آن را هم قبول نداریم؛ چراکه جغرافیا و ساحل ما مقعر است و درصدی که به ما تعلق می‌گیرد، کمتر خواهد شد و ما آن را قبول نداریم. کلی هم دراین‌باره بحث کردیم.

● **پس مذاکرات درباره بقیه موارد کنوانسیون خوب پیش می‌رود؛ ولی در بحث سرزمینی به نتیجه‌ای نرسیدید؟**

بله، درباره بستر و زیربستر، یعنی آن‌گونه که منابع نفت و گاز و جلیک و... هست، به نتیجه نرسیدیم. همسایگان شمالی، مشخصاً روسیه و قزاقستان، کف دریا را بین خودشان تقسیم کردند. روسیه با این بزرگی و عظمت و ۱۸ میلیون کیلومتر وسعت خاکش، ۱۸ درصد گرفته و قزاقستان ۲۲ تا ۲۳ درصد گرفته است. البته این دو کشور بین خودشان تقسیم کرده‌اند؛ اما ما خارج از این تقسیم‌بندی بوده‌ایم.

● **در جریان مذاکرات، ما این تقسیم را منطقی می‌دانیم؟**
این کار خارج از اراده پنج کشور انجام شده است. ● **بالاخره ما به‌عنوان یکی از این پنج کشور در حال مذاکره با آنها بر سر همین موضوع هستیم؟**
ما این تقسیم غیر پنج‌جانبه را منطقی نمی‌دانیم؛ اما این کار بین خودشان انجام شده و از نظر خودشان منطقی است. آنها براساس منطق بین‌الملل و حقوق دنیا می‌کنند که این‌گونه تقسیم کرده‌اند.

● **براساس فرمولی که روسیه و قزاقستان استفاده کرده‌اند، اعداد و ارقامی درباره سهم ایران از خزر هم مطرح می‌شود؛ عددی حدود ۱۳ درصد. این عدد درست است؟**
بله، اگر بخواهیم براساس آن فرمول عمل کنیم، همین درصد به دست می‌آید؛ اما ما این فرمول را قبول نداریم. ● **اگر بخواهیم بر اساس آن فرمول عمل کنیم، همین درصد حدود ۱۳ درصد به دست می‌آید؛ اما ما این فرمول را قبول نداریم.**

ما می‌گوییم که این دریا باید به‌گونه‌ای تقسیم شود که عدالت و انصاف در آن رعایت شود؛ در غیر این صورت بهتر است که تقسیم نشود؛ چون ساحل ما مقعر است و جزیره هم نداریم. براساس اصلی که در خط مبدأ ترسیم می‌شود، سهم ما از خزر کم می‌شود. اگر آب‌های سرزمینی را از خط مبدأ شروع کنیم، طبق این فرمول، تقریباً آب سرزمینی نداریم که آن هم تأثیری روی تقسیم بستر و زیربستر می‌گذارد؛ اما ما این را قبول نداریم. عرض قبول کردند که سهم ما مشابه کشورهایی که عرض ساحلی‌شان مثل ما است، باشد. این هم بحث ظرفی نهایی کرده‌اند و الان موضوع بین ما، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان مانده است. البته آنها اصرار دارند که الان تکلیف موضوع تحدید حدود هم معلوم شود اما ما با فرمول آنها موافق نیستیم. به‌همین دلیل توافقی کردیم روی موضوع مورد اختلاف متوقف نشویم. بلکه موضوعات مورد توافق را بنویسیم و نهایی کنیم تا مسائل جاری معطل «تحدید حدود» نشود.

● **پس کنوانسیون شامل رژیم حقوقی، منهای بحث سرزمینی است؟**
مباحث سرزمینی هم در این کنوانسیون وجود دارد؛ اما ما قبول نداریم. آنها می‌خواهند براساس

کنوانسیون نشود، اعتبار رسمی ندارد. چنین مذاکراتی بین پنج کشور و به صورت دوجانبه به طرق مختلف و در برهه‌های مختلف انجام شده است؛ اما آنچه می‌توان به آن استناد کرد، آن است که در کنوانسیون توافق‌شده نهایی شده است. کلام باید در طرف مکان و زمان بررسی شود. آن موقع شاید این حرف درست بوده؛ اما الان شاید سهم ما ۲۱ درصد برسد. تفسیر کرده‌اند که من گفته‌ام کمتر از ۲۰ درصد. من کجا این حرف را زده‌ام؟

● **بله، می‌توان از جمله شما این برداشت را کرد که ممکن است سهم ما بیش از ۲۰ درصد هم باشد؛ اما از مجموع صحبت‌هایتان در مصاحبه با «ایسنا» این‌گونه برداشت نمی‌شود.**

من گفتم مگر همدانوه است که چهار یا پنج قاشش کنیم و به هرکسی بخش برابری بدیم؛ یک منطقی باید پشت کار باشد. از این نظر ما این موضوع را گذاشته‌ایم برای بعد و می‌خواهیم بقیه کارها را انجام دهیم؛ چراکه بالاخره یک قانون‌مندی‌ای باید در دریا بسته باشد و این دریا هم دریای صلح است و تاکنون فقط دو سه مشکل کوچک در این دریاچه به وجود آمده است. ازهمین‌رو من آن را با خلیج فارس مقایسه کردم و گفتم ما که با همسایگان شمالی رفیق هستیم، اصلاً خزر تقسیم نشده که حالا بعضی‌ها رگ کردن‌شان باد کرده است.

● **خب این نگرانی وجود دارد که وقتی دو همسایه بالایی براساس فرمولی خزر را بین خودشان تقسیم کرده‌اند و این در متن کنوانسیون آمده، به‌مرور ایران هم مجبور می‌شود همان را بپذیرد؟**
در کنوانسیون درباره این تقسیم دوجانبه چیزی نیامده است.

● **اما می‌تواند بر فضای مذاکراتی تأثیرگذار باشد؟**
بحث دوجانبه بین کشورها ملاک تصمیم‌گیری در کنوانسیون نیست. کنوانسیون بین پنج کشور تدوین می‌شود و مسائل دوجانبه در آن لحاظ نمی‌شود. کشورها با هم می‌توانند تفاهم دوجانبه داشته باشند؛ اما ربطی به بقیه کشورها ندارد؛ اما کنوانسیون موضوعات مرتبط به هر پنج کشور را شامل می‌شود.

● **چه زمانی این کنوانسیون داخل کشور بررسی می‌شود؟**

همین حالا این کار در حال انجام است. بعد از جلسه آخری که هیئت ایرانی از مسکو برگشت، گزارش کار را به مقامات عالی فرستادیم. در‌حال‌حاضر، این موضوع در داخل کشور در حال مطالعه و بررسی است. گاهی یک کلمه یا یک ویرگول با نقطه را باید جابه‌جا کنیم، پس کارهایی از این قبیل باید ادامه دهیم.

● **یعنی کار کنوانسیون رژیم حقوقی خزر بدون بحث سرزمینی به مراحل نهایی‌اش رسیده است؟**
یک تفاهم کلی صورت گرفته است، ولی جمله‌بندی‌هایی که ما باید در موردش نظر بدیم و مقامات داخلی‌مان قبول کنند، باقی مانده و درواقع در حال انجام کارهای فنی‌اش هستیم. ممکن است در آن قسمت‌ها هم چانه‌زنی کنیم.

● **در داخل کشور و بین مقامات، این موضوع که کنوانسیون بدون بحث تعیین حدود سرزمینی مورد توافق واقع شود، قبول شده است؟**

هنوز در حال بررسی‌های داخلی خودمان هستیم.

● **بحث سرزمینی چه زمانی شروع می‌شود؟**
هر زمان که ما و چهار طرف دیگر و مشخصاً دو همسایه‌مان راضی باشیم، ممکن است دستیابی به نتیجه نیز طولانی باشد. این موضوعی یک‌طرفه نیست، بنابراین دست ما نیست که زمان دستیابی به توافق را بگویم. ● **منظور شروع مذاکره درباره این موضوع است؟**
شروع مذاکره با افاضه نهادی کنوانسیون خواهد بود. اگر اجلاس سران انجام شود، بعد از آن جلسه مذاکرات سرزمینی آغاز می‌شود. ما دو بحث را تعیین می‌کنیم؛ یکی خط مبدأ و دیگری تحدید حدود که موضوع بستر و زیربستر است که یک مقدار فنی است.

● **در بحث خزر، نکته‌ای باقی مانده که بخواهید اضافه‌کنید؟**
اگر در جامعه بحث‌های این‌چنینی مطرح می‌شود، نگران نشوید. همه حق دارند که نظر دهند. طبیعتاً افکار عمومی باید توجیه شود، بنابراین این را که سکوت کنیم، هنر نمی‌دانم. ما هم حتماً باید با همسایگان‌مان به‌گونه‌ای رفتار کنیم که آنها هم احساس خاصی نسبت به ما نداشته باشند و بالعکس. تا حالا هم همین‌طور بوده است. طولانی‌بودن مذاکرات هم فقط به ما مربوط نیست، چراکه مشکلات چهار کشور دیگر را هم شامل شده است. اگر این اجازه به آقای رئیس‌جمهور داده شود و ایشان هم به وزارت امور خارجه اجازه دهد، می‌توانیم کنوانسیون را با جمله‌بندی‌های مناسب نهایی کنیم. حق طبیعی ملت ایران است که به بحث سرزمینی حساس باشد، به‌همین‌ترتیب در صحنه مذاکرات هم با حساسیت بیشتری عمل شده و می‌شود. من ۱۶ مرتبه مذاکره کردم که به نظر کار بررسی کنید، یک خطا در آن وجود نداشته است. بیشترین قراردادها هم در همین دوره امضا شده است.

● **شما ۵۰ ماه در معاونت آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه بودید، مهم‌ترین اتفاق در حوزه عملکردی‌تان را چه می‌دانید؟**
در ۵۰ ماه به کشور کار کردم، از جمله روسیه و چین که سیاست خارجی‌ما توجه زیادی به این دو قدرت دارد. بدو، پاکستان، ترکیه، افغانستان، کشورهای همسایه و... هم جزء این ۵۰ کشور هستند. ما کار را از یک سیاست خارجی آشفته برعهده گرفتیم، آقای ظریف و تیمشان در قسمت اول کارشان سخت‌تر دیگر برجام بودند. درعین‌حال، آقای ظریف در همان دوره هم با ما می‌خواستند سفرها و رفتو‌برگشت‌هایی داشته باشیم.

● **شما ۵۰ ماه در معاونت آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه بودید، مهم‌ترین اتفاق در حوزه عملکردی‌تان را چه می‌دانید؟**
در ۵۰ ماه به کشور کار کردم، از جمله روسیه و چین که سیاست خارجی‌ما توجه زیادی به این دو قدرت دارد. بدو، پاکستان، ترکیه، افغانستان، کشورهای همسایه و... هم جزء این ۵۰ کشور هستند. ما کار را از یک سیاست خارجی آشفته برعهده گرفتیم، آقای ظریف و تیمشان در قسمت اول کارشان سخت‌تر دیگر برجام بودند. درعین‌حال، آقای ظریف در همان دوره هم با ما می‌خواستند سفرها و رفتو‌برگشت‌هایی داشته باشیم.

ادامه از صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

ضرورت تأسیس

صندوق رفاه اجتماعی کشور

در گزارش مرکز، برای پیشنهاد حذف این بند چهار دلیل ذکر شده است: ۱. تعیین تکلیف اموال و دارایی‌ها، پرسنل، امکانات، تسهیلات، دیون و تعهدات، ۲. تصریح شکل حقوقی صندوق، ۳. روشن‌شدن وظایف این صندوق، ۴. مشخص‌شدن مرجع تصویب اساسنامه صندوق، درحالی‌که در متن تبصره ۱۴ این موارد کاملاً روشن است. براساس این بند «در سال ۱۳۹۷ سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها ضمن تغییر نام به صندوق رفاه اجتماعی و اصلاح اساسنامه از جهت موضوع، ساختار، و دیگر ابعاد به‌منظور انجام مأموریت جدید تحت‌نظر وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی قرار خواهد گرفت و اموال و دارایی‌های سازمان مزبور به صندوق رفاه اجتماعی تعلق خواهد داشت. اصلاح اساسنامه صندوق مذکور به پیشنهاد سازمان و برنامه بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد». درواقع براساس این بند مرجع تصویب اساسنامه و موارد دیگر مورد اشاره مرکز پژوهش‌های مجلس به‌صراحت بیان شده است. بدیهی است که وظایف این صندوق به‌طور دقیق‌تر و براساس مفاد قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در اساسنامه قید خواهد شد. حتی منابع مالی چنین صندوقی نیز در ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی روشن شده است.

براساس ماده ۱۶ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی که از سوی صاحب‌نظران به‌عنوان قانون اساسی حوزه رفاه کشور شناخته می‌شود، «سازماندهی و مدیریت اجرایی نظام هدفمند یارانه‌های اجتماعی و جهت‌دهی آن به‌سوی افراد و خانواده‌های نیازمند» از مسئولیت‌های وزارت رفاه به‌شمار می‌آید. به‌موجب همین ماده علاوه بر یارانه‌های اجتماعی، مسئولیت «تنظیم کلان بودجه عمومی دولت در قلمروهای بیمه‌های اجتماعی، بیمه‌های خدمات درمانی و امور حمایتی» و «مدیریت منابع و مصارف و تنظیم بودجه تلفیقی نظام جامع تأمین اجتماعی به‌منظور تخصیص بهینه منابع» نیز به وزارتخانه مذکور محول شده است. با وجود تصریح قانون ساختار نظام جامع، از بدو تأسیس وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت در مقابل واگذاری این اختیارات به وزارتخانه مقاومت کرد و از همان ابتدا حتی بحث انحلال وزارت رفاه مطرح شد؛ وزارتخانه‌ای که بنا بود سخنگوی مسائل معیشتی و رفاهی مردم در دولت و پاسخ‌گوی مجلس در قبال منابع مالی اختصاص‌یافته به حوزه رفاه اجتماعی باشد. اما کنوانسیون سازمانی و منفعتی مانع از آن شد که چنین وزارتخانه‌ای در سطح و عیار پیش‌بینی‌شده شکل بگیرد و قوام یابد.

بر کسی پوشیده نیست که امروزه جامعه ایران به‌طور جدی با مسائل معیشتی و رفاهی مواجه است؛ قرارگرفتن حدود یک‌سوم جمعیت کشور در شرایط فقر مطلق (بنا بر گزارش سازمان‌های دولتی)، بی‌کاری گسترده روبه‌افزایش، حدود ۹ میلیون بی‌سواد و ۲۰ میلیون کم‌سواد و مواردی از این قبیل، با نوعی بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم نسبت به نظام مدیریتی در زمینه حل‌وفصل این مسائل همراه شده است (براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان). در چنین وضعیتی وزارتخانه تخصصی این حوزه عملاً به کارگزاری اتیان تبدیل شده که مهم‌ترین ابزارهای سیاستی را در اختیار ندارد، چراکه تعارض منافع گروهی و فردی (گاه در حد حفظ یک پست سازمانی برای یک فرد مشخص) مانع از آن می‌شود که در راستای حل مسائل اجتماعی و تأمین منافع عمومی با لافاصله نهادی کنوانسیون خواهد بود. اگر اجلاس سران انجام شود، بعد از آن جلسه مذاکرات سرزمینی آغاز می‌شود. ما دو بحث را تعیین می‌کنیم؛ یکی خط مبدأ و دیگری تحدید حدود که موضوع بستر و زیربستر است که یک مقدار فنی است.

● **در بحث خزر، نکته‌ای باقی مانده که بخواهید اضافه‌کنید؟**

اگر در جامعه بحث‌های این‌چنینی مطرح می‌شود، نگران نشوید. همه حق دارند که نظر دهند. طبیعتاً افکار عمومی باید توجیه شود، بنابراین این را که سکوت کنیم، هنر نمی‌دانم. ما هم حتماً باید با همسایگان‌مان به‌گونه‌ای رفتار کنیم که آنها هم احساس خاصی نسبت به ما نداشته باشند و بالعکس. تا حالا هم همین‌طور بوده است. طولانی‌بودن مذاکرات هم فقط به ما مربوط نیست، چراکه مشکلات چهار کشور دیگر را هم شامل شده است. اگر این اجازه به آقای رئیس‌جمهور داده شود و ایشان هم به وزارت امور خارجه اجازه دهد، می‌توانیم کنوانسیون را با جمله‌بندی‌های مناسب نهایی کنیم. حق طبیعی ملت ایران است که به بحث سرزمینی حساس باشد، به‌همین‌ترتیب در صحنه مذاکرات هم با حساسیت بیشتری عمل شده و می‌شود. من ۱۶ مرتبه مذاکره کردم که به نظر کار بررسی کنید، یک خطا در آن وجود نداشته است. بیشترین قراردادها هم در همین دوره امضا شده است.

مدیران آویزان

هرچند اینک و بافعل، آمار رسمی و دقیقی از تعداد نسبتاً پرشمار این قبیل افراد در مناصب و مصادر مدیریتی کشور مانند استانداردها، سازمان‌ها و نگاه‌های مالی و اعتباری و... وجود ندارد اما پاره‌ای از داده‌های واقعی و اکنون افشا و اخطار جناب آقای جهانگیری نشان از آن دارد که چنین شبهه‌مدیرانی، پرشمار هستند! معلوم نیست که با کدام معیار و در کدام ترازوی مساوات و مواساتی باید این پدیده نابهنجار اداری توزین و سنجیده شود؟! اگر قرار بر این است که جامعه، به‌ویژه در این مقطع پیرسالاری در هرم مدیریتی خود، قدری هموار و هنجار گیرد و در مسیر شایسته‌سالاری و لیاقت‌محوری حرکت کند و با گشودن اشتغال و فرصت‌های شغلی، قدیمی و قیامی ارزنده برای احقاق حقوق و اجرای مطالبات برزمین‌مانده جوانان محجوب و خیل بیگران بی‌کاران همچور برادرار، باید یک‌بار برای همیشه به حیات طفیلی مدیران آویخته و بی‌کفایت پایان داده شود. بر واضح است تا زمانی که به تداوم معیوب رزت چنین مدیران وابسته و سنجاق‌شده، نقطه انقضائی گذاشته نشود، آینده کشور در حیطه‌ها و حوزه‌های فکری و اجرائی، دچار انقباض بوده و در مسیر خود را می‌ازد و آسیب‌هایی بی‌شمار، راهبی نخواهد داشت.